

۲۴۷۳۷۱۷



www.ketab.ir

تفتان زرد

یاشار کمال
عارف جمشیدی

سرشناسه: کمال، یاشار، ۱۹۲۲ - م. Yaşar Kemal
 عنوان و نام پدیدآور: تفتان زرد/ یاشار کمال؛ مترجم عارف جمشیدی.
 یادداشت: عنوان اصلی: Sarı Sıcak
 موضوع: داستان‌های کوتاه ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰ م.
 Short stories, Turkish -- Turkey -- 20th century
 وضعیت فهرست: بی: آ
 اطلاعات رکر: تابش: بی: فیبا
 شناسه افزوده: جمشیدی، عارف، ۱۳۶۰ -، مترجم
 رده‌بندی کنگره: PL۲۰۸
 رده‌بندی دیویی: ۶/۲۵۳۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۰۹
 شابک: ۹۷۸-۹۶۲۲-۸۱۳۷-۱۹-۲
 مشخصات ظاهری: ۱۲۹ ص، ۱۴×۲۰، م.
 مشخصات نشر: تهران: رایبد، ۱۴۰۳.

تفتان زرد

اتاق راوی

دبیر مجموعه: اصغر نوری

نویسنده: یاشار کمال

مترجم: عارف جمشیدی

ویراستار: آزاده کاظمی

نمونه‌خوان: نرگس صوفی‌سیاوش

صفحه‌آرا: استودیو زاغ

مدیر هنری و طراح جلد: محمدرسول شکرانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: جواهری

شابک: ۹۷۸-۹۶۲۲-۸۱۳۷-۱۹-۳

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

خیابان وحید نظری، پلاک ۱۲۰

تلفن: ۰۲۱۶۵۰۱۱۵۵۴ - موبایل: ۰۹۰۵۱۵۱۳۷۰۲

www.raybodpub.com

info@raybodpub.com

@raybodpub

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	در جاده
۱۷	شهر و فضا
۳۱	جارو
۳۷	بُز
۴۳	خنجر
۴۹	سرکیسوف اصل
۵۹	خودنویس‌ها
۶۹	مارمولک سبز
۷۹	شکارچی
۸۳	دزد
۹۳	تفتان زرد
۱۰۱	پدر من

کمال صادق گوگجلی با نام هنری یاشار در سال متولد ۱۹۲۳ نویسنده شهیر ترک، نامزد جایزه نوبل ادبیات، نویسنده رئالیست و خالق «ماکار» «اینجه ممد» است. خانواده یاشار به خاطر شکست امپراطوری عثمانی در جنگ اول جهانی و اشغال خاک ترکیه به دست ارتش روس به روستای «همیت» در «الی شهر» وان» در شرق ترکیه کوچ کردند که این روستا و حال و هوای آن بعدها به کات در داستان هایش جان گرفت.

در کودکی، پدرش - صادق آفندی - مقابل چشم هایش در صحن یک مسجد به قتل رسید. وی در همان سال ها بر اثر حادثه ای چشم راستش را از دست داد. در حوالی سال های ۱۹۴۰ اولین شعرهای او در مجله های «بهمن»، «کشور»، «ملت» و «سرچشمه» منتشر شدند. کمال هرگز نتوانست تحصیلاتش در دبیرستان را به پایان برساند. در آن سال ها با گروهی از هنرمندان روشنفکر آن دوره مانند «پرتو نایی»، نویسنده و جامعه شناس و «عابدین دینو»، نقاش آشنا شد و هنوز هفده ساله بود که به دلایل سیاسی بازداشت شد. او چندین بار دیگر نیز به خاطر فعالیت های سیاسی اش دستگیر شد تا اینکه در سال ۱۹۵۰ به زندان افتاد. یک سال بعد آزاد شد و به

استانبول نقل مکان کرد و بعد از یک دوره بیکاری، در روزنامه «جمهوریت» به عنوان گزارشگر و گاهی مقاله نویس مشغول به کار شد و این فعالیت تا سال ۱۹۶۳ ادامه داشت. مقالات او همواره برایش دردرساز بود و بارها و بارها به خاطرشان به دادگاه احضار شد. موفقیت او از سال ۱۹۵۰ با انتشار داستان های «مغازه دار»، «در جاده»، «نوزاد»، «ممد و ممد» و «تفتان زرد» آغاز شد. در سال ۱۹۵۵ شاهکار خود «اینچه ممد» را معرفی کرد. رمان، همان سال برنده جایزه معتبر «وارلیک رمان» شد. از سال ۱۹۶۳ به بعد تمام وقت خود را وقف نوشتن کرد. سیل جوایزی که برای داستان ها و رمان هایش به راه افتاده بود تمامی نداشت. سال ۱۹۷۷ در فرانسه جایزه برترین نویسنده خارجی زبان را کسب کرد و در سال های ۱۹۸۲ نشان «دل دوکا» و سال ۱۹۸۴ نشان «ریون دونور» را دریافت کرد. او یک بار نیز نامزد نهایی دریافت جایزه نوبل ادبیات شد.

آثار او به بیش از چهل زبان ترجمه شدند و بسیاری از آن ها روی صحنه های تئاتر حیاتی دوبار پرفتنند. جهت گیری های سیاسی و تاخت و تازش به سیاستمداران در نوشته های او باز هم ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۵ به یک سال و هفت ماه زندان محکوم شد اما به دلیل بهولت من، حکم وی تعلیق شد.

از سال ۱۹۵۲ زندگی مشترکی با «میلدا» یک مهاجر اسپانیایی داشت تا اینکه تیلدا در سال ۲۰۰۱ از دنیا رفت. او یک سال بعد از عايشه سمیحا بابان «ازدواج کرد. کمال در سال ۲۰۱۵ روی تخت بیمارستانی در استانبول چشم از جهان فرو بست و اینچه ممد تا ابد یتیم شد.